

متن سخنرانی رحمان ساکی در مراسم بزرگداشت فرهاد فرهادی (حیدر) در روز ۲۴ جولای در اسلو - نروژ

## چهره پیکارگر، خلاق و جسور حیدر

نیمه شب پنجشنبه هفته پیش بود که همراه تنی چند از دوستانم از سفر برگشته بودم. فردای آنروز با صدای زنگ تلفن سراسیمه از خواب پریدم. یکی از همسفرانم بود، صدایش می لرزید و در کلامش شتاب و عجله خاصی نهفته بود. فهمیدم که خبری دارد و خبرم، خبر خوشی نیست، بیدارنگ پرسیدم، گویی که خبری داری، او با بغضی در گلو حرفم را تأیید کرد و گفت خبر خوبی برایت ندارم، حیدر، حیدر به زندگی اش پایان داده. راستش از ادامه مکالمه تلفنی با دوستم حرف دیگری بیاد ندارم. شوک و ناباوری تمام وجودم را فرا گرفت. چشمانم را بستم، چهره حیدر در خاطر من نشست. آخرین دیدارم را بیاد آوردم، سه هفته قبل از این حادثه بود. بشدت مضطرب و نگران وضعیت فرساد برادرش بود و از رنج و درد روزگار بیرحم، سخت آزرده خاطر بود.

لحظاتی چند، غرق خاطرات تلخ و شیرین با حیدر شدم، به ۱۴ سال پیش و اولین دیدارهایم با حیدر باز گشتم، قبلا هم از جمشید در مورد حیدر و ویژه گیهایش، از صمیمیتش، فعالیتها و تلاشهای سیاسی و کمکهای بیدریغش به پناهجویان ایرانی در کراچی شنیده بودم.

در همان اولین دیدارم، رفتار گرم و صمیمی، شوخ طبع و سرحال، پرکار و عجول بنظر می رسید. رابطهها و ریشهها را جستجو می کرد. سازمانش، سازمان راه کارگر آموغ در نروژ تشکیلات نداشت، در اندک زمان ممکن، همه چیز را سر و سامان داد، واحدی را تشکیل و تعدادی از یارانش را جذب راه کارگر کرد. از آن زمان تا پارسال همین موقع، حیدر از جمله فعالین سیاسی نروژ بود که تقریباً در تمامی تجمعات و فعالیتهای سیاسی ایرانیان در این کشور نقش بسزایی ایفاء میکرد. درست پس از فعالیتهای پرثمر و موفقیت آمیز، دفاع و حمایت از جنبش دانشجویی پارسال در نروژ، یک سالی می شود که حیدر از فعالیتهای سیاسی کناره گرفته و دقیقاً مصادف با همان روزهای پرتلاش و خستگی ناپذیرش، امسال متأسفانه شاهد مرگ حیدر بودیم.

سوالی که این روزها ذهنم را بخود مشغول کرده است، آن است که چرا حیدر درست در سالگرد اوج فعالیتش دست به چنین اقدامی زد؟ آیا، جسارت، شجاعت و وفاداری به ارزشهای والای انسانی و انقلابی اش نبوده که چنین زمانی را برای این اقدام خود، انتخاب کرده بود. بنظرم، حیدر با

این عمل نشان داد که به آن زمان و آن زندگی متعلق و وابسته بوده است. او نشان داد وفاداری و پایبندیش به اعتقادات و آرمانهایش، والاتر از همه چیز، حتی جان شیرین و جوانش بود. شاید او می خواست با این کارش دوباره به همان زمان، به همان زندگی و همان پیکار که بیش از نیمی از عمر و جوانیش را جسورانه به پای آن ریخته بود برگردد. پیکاری که در نوجوانی در سنگرهای دفاع از انقلاب در ایران آغاز گشت و در دوره جوانی اش، با استواری تمام در دفاع از آرمانهای والای انسانی و آزادیخواهانه اش در زندانهای قزلحصار و گوهر دشت ادامه یافت. پس از آن در سنگر مبارزه برای حمایت از پناهجویان پاکستان، مبارزه علیه نژاد پرستی، افشای بی امان چهره جنایتکار و ضد مردمی جمهوری اسلامی در نروژ و در دفاع از مبارزات بر حق خلق کرد در کردستان به بلوغ خود رسید.

سالمها، تلاش و مبارزه در عرصه های مختلف، حیدر را به چهره ای شناخته شده در میان فعالین سیاسی تبدیل کرده بود. ویژه گیهای این چهره، جدیت در فعالیت، پیگیری، از خود گذشتگی بی حد و مرز، پذیرش دشوارترین مسئولیتها به طور داوطلبانه و از همه مهمتر برخورداری از خلاقیت ویژه ای بود که او در کشف ایدهها و روشهای جدید فعالیت و مبارزه داشت.

حیدر از جمله معدود فعالین سیاسی ایرانی، مقیم نروژ بود که با ذکاوت و تیز هوشی فراوانی توانست در کمترین زمان ممکن، زبان نروژی را بخوبی فرا گیرد و آن را در خدمت فعالیتهای سیاسی و فرهنگی خود بکار بندد. با استفاده از این ابزار مهم ارتباطی، حیدر توانست با جامعه فرهنگی و سیاسی کشور میزبان ارتباط برقرار کند و با ایجاد و گسترش پیوند های خود موفق شد، سیمای ضد مردمی و جنایتکار حکومت اسلامی ایران را در انظار نیروهای مترقی و رادیکال، بویژه احزاب چپ نروژ افشاء نماید و حمایت آنان را نسبت به مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه کشورمان جلب کند. راه اندازی رادیو همصدا در اسلو، از جمله دستاوردهای مهم فعالیت های حیدر بود. این رادیو، صدای اپوزیسیون دمکرات و رادیکال ایرانی مقیم نروژ شد.

پشتکار و خلاقیت های حیدر، بویژه در سال گذشته به هنگام دفاع و حمایت از جنبش دانشجویی، ثمرات و دستاوردهای زیادی را برای فعالین سیاسی مقیم اسلو به همراه داشت. اگر بخواهم بطور مشخص از خلاقیت های نام ببرم، به اولین چیزی که می توان اشاره کرد، ابداع و تنظیم شعار های نروژی بود. حیدر با تسلط خوبی که بر زبان نروژی داشت، توانست شعارهای اعتراضی و افشاگرانه ما را به روز کند.

سالمها بود که طرح شعارهای نادقیق و تکراری ما توانسته بود بخوبی، پیام ما را به گوش جامعه روشنفکری و مترقی نروژ برساند. شعارهای نروژی

که حیدر تنظیم می کرد ضمن اینکه، بیانگر خواست و مطالبات دمکراتیک جنبشهای اجتماعی ایران بودند، ویژه گی مهم شان آن بود که با توجه به فرهنگ سیاسی مردم نروژ تنظیم شده بودند. شعارهای حیدر که در حرکات اعتراضی ایرانیان فریاد زده میشد، به گوش مردم، دولت و رسانه های جمعی نروژ رسید.

از جمله ویژگیهای دیگر حیدر میتوانم از ابتکاراتش در استفاده از ابزارها و شیوه های مدرن فعالیت سیاسی نام ببرم. شیوه هایی که بخوبی مورد قبول و استقبال جامعه نروژ قرار می گرفت. جمع آوری امضاء، اجرای نمایش، پخش موزیک و چاپ تی شرت با مضامین سیاسی از جمله ابتکارات فردی حیدر بود که همواره سطح و کیفیت فعالیت های سیاسی در نروژ را بالا می برد.

در طی سال هایی که حیدر در نروژ زندگی کرد، همواره در تکاپو و تلاش بود. این تکاپو و تلاش فقط و فقط در راستای بهبود و گسترش فعالیت های سیاسی اش بود. جدیت، پشتکار و پافشاری حیدر به حدی بود که او را گاهی به قضاوت های شتابزده وادار میکرد. در طی این مدت حیدر زندگی شخصی و خانوادگی اش را فدای اهداف و فعالیت های سیاسی اش کرد. حیدر می توانست در نروژ، در بهترین رشته ها تحصیل کند و یا پر درآمد ترین شغل ها را انتخاب کند، اما نکرد. چرا که، فعالیت سیاسی برای او همواره در اولویت قرار داشت و تمام زندگی شخصی، امکانات و روابط اش بطور کامل تحت شعاع فعالیت های سیاسی اش قرار می گرفت.

او که تحت فشار رژیم جبار و آدمکش جمهوری اسلامی به اجبار تن به مهاجرت داده بود، چون بشماری از فعالین سیاسی در تبعید، هرگز نتوانست رابطه ای طبیعی بین فعالیت سیاسی، کار و زندگی خصوصی اش برقرار کند. بدین سبب بود که در یکسال گذشته، انبوهی از مشکلات شخصی و شغلی، وی را احاطه نمود و متأسفانه او نتوانست به تنهایی برای غلبه بر این مشکلات راه حلی پیدا کند. چنین مرگی، هرگز، هرگز، شایسته حیدر نبود. ایکاش ما یاران و نزدیکان او که امروز به سوگ او نشسته ایم، همچنان که حیدر در فعالیت های سیاسی در کنارمان بود و در کنارش بودیم، میتوانستیم باری هر چند ناچیز، از بار گران دوشش بر می داشتیم. دریغ که وی با تصمیمی مصمم و برنامه ریزی شده، به زندگی خود پایان داد.

مرگ حیدر همه یارانش را در غمی جانکاه فرو برد. حیدر، حیدر، پرشور، حیدر فعال و زحمتکش، امروز در میان ما حضور ندارد. اما دیباچه ای از فداکاری ها، پیکارگری های جسورانه او، توشه راه همفکران و همزمانش خواهد بود.

یادش همواره سبز و جاودانه باد!